

بررسی تطبیقی توبه در قرآن و اوستا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۱۸

ابراهیم فلاح*

سیده صفیه میرحسینی**

چکیده

یکی از مباحث مهم در عرفان عملی و مقامات العارفین توبه است. توبه یکی از ابواب بهشت است و نبودن آن مساوی هلاک عامه اهل معصیت است. توبه، تنها راه نجات گنہکاران، وسیله تقرب به خدا، تبدیل کننده سیئات به حسنات، امید ناامیدان، نخستین مقام عارفان و اولین منزل سالکان کوی دوست است. توبه، موضوع مشترک دین‌های زرتشتی و اسلام است. در این مقاله بیش از هر چیز توبه از حیث لغت و اصطلاح در قرآن مورد توجه قرار گرفت؛ پس از آن حقیقت توبه، اقسام توبه، اقسام تائبین، وجوب توبه و مراتب توبه و توبه‌پذیری در قرآن و اوستا بررسی شد. سپس وجه اشتراک و افتراق توبه در این دو ادیان مورد بررسی قرار گرفت و در پایان نتیجه گرفته شد که توبه یکی از مهم‌ترین مقام‌های سالک راه حق است که هم در قرآن کریم و هم در اوستا مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اوستا، توبه، تائبان، بررسی تطبیقی، مقامات العارفین.

مقدمه

در جوامع بشری، انسان‌ها دستخوش فراز و نشیب‌های فراوانی شده، دچار لغزش‌های زیادی می‌شوند. گاهی این لغزش‌ها، که بر اثر وسوسه‌های نفسانی است، از درون انسان ناشی می‌شود و گاهی خفاشان شب‌پرست برای گمراه کردن انسان‌ها، از ترفندهای به ظاهر زیبا و فریبنده استفاده می‌کنند و دام‌های بسیار خطرناکی برای هموعان خویش می‌گسترند. چنین جامعه‌ای، اگر به توبه مبادرت نرزد، بدون هیچ تعارضی، باید منتظر بلاهای آسمانی باشد. یکی از امتیازات اسلام و اوستا و دیگر ادیان این است که انسان در آن هیچ وقت به بن‌بست نمی‌رسد و هیچ وقت به تائبین گفته نمی‌شود که تو را نمی‌پذیرم. انسان هرچند گنهکار باشد نباید از رحمت و اوسع خدا ناامید شود و باید راه نجات را جست‌وجو کند. راه نجات، «توبه» است. توبه باب‌الابواب رحمت الهی است. توبه از مقوله الفاظ نیست. یک عمر گناه با گفتن یک «استغفرالله» جبران نمی‌شود. در زمینه توبه در قرآن، کتاب‌های پراکنده زیادی وجود دارد؛ ولی در زمینه توبه در اوستا هیچ اثری یافت نشده است. این مقاله در صد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: توبه چیست؟ حقیقت توبه و مراحل آن از دیدگاه قرآن و اوستا چیست؟ همچنین در این مقاله سعی شده است تا موارد افتراق و اشتراک توبه در دو کتاب مقدس قرآن و اوستا بررسی شود.

توبه در لغت

توبه در لغت از ماده «توب» به معنای رجوع و بازگشت است (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۵۷). در «مجمع‌البیان» آمده: اصل توبه رجوع از عمل گذشته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۰). ملا احمد نراقی می‌گوید: توبه ضد اصرار بر معاصی است. اصل توبه بازگشت به سوی خدا و رجوع به سوی اوست (نراقی، ۱۳۷۱: ۶۷۴). شیخ بهایی می‌گوید: «التَّوْبَةُ لُغَةُ الرَّجُوعِ»؛

معنای توبه رجوع و بازگشت است. (شیخ بهایی، ۱۴۱۵: ۴۵۸).

توبه در اصطلاح

معمولا هر لفظی علاوه بر معنای لغوی، یک معنای اصطلاحی نیز دارد و لفظ توبه از این امر مستثنی نیست. بعضی گفته‌اند: توبه در اصطلاح پشیمانی است از گناه، از آن جهت که گناه است (همان: ۴۵۸) استاد شهید مطهری می‌گویند: «توبه عبارت است از یک نوع انقلاب درونی، نوعی قیام، نوعی انقلاب از ناحیه خود انسان علیه خود انسان» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۰).

توبه در قرآن

توبه در قرآن کریم از چنان اهمیتی برخوردار است که صدها آیه از آن، به این امر خطیر اختصاص یافته است؛ به طوری که خود لفظ توبه و مشتقات آن ۸۷ بار در قرآن تکرار شده. معادل فارسی توبه، واژه بازگشت است و معادل‌های انگلیسی آن، کلمات penitence, Repentance, sub است.

در قرآن کریم توبه به دو معناست:

۱- توبه عبد: یعنی بازگشت بنده از معصیت به طاعت؛ مثل «يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» (فرقان/۷۱).

۲- توبه به دست خداست: به معنای بخشیدن توفیق توبه و پذیرش آن از سوی پروردگار؛ از جمله در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ» که در واقع بازگشت خداوند از عقوبت به رحمت است. لفظ تَوَّاب نیز در قرآن، هم به عبد نسبت داده شده «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ» و هم به معبود «إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». در انتساب به عبد به معنای بسیار بازگشت کننده

از معصیت به طاعت است و در انتصاب به معبود، به معنای بسیار توبه‌پذیر. اما باید دانست که بازگشت خداوند رحیم به سوی بنده، بسیار بیشتر از بازگشت بنده به سوی اوست (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۴).

حقیقت توبه

چنانکه گفته شد، مقدمه توبه عنایت خداوند است که او را به بیداری نسبت به اعمال گذشته‌اش و به تفکر و تأمل در اعمالی که انجام داده وامی‌دارد و در نهایت به سوی خدا برمی‌گردد. این بازگشتن، که همان توبه حقیقی است، انقلابی مقدس، روحانی، درونی و سازنده است که باید از دل آغاز شود و بر تمام اعضا و جوارح و حرکات و سکانات انسان تأثیر بگذارد. در شرح نهج‌البلاغه صبحی صالح آمده است: «قال ذوالنون: حقیقة التوبه انّ تضيق عليك الارض بما رحبت حتى لا يكون لك قراراً ثم تضيق عليك نفسك». ذوالنون گفت: حقیقت توبه این است که زمین با تمام فراخی‌اش بر تو تنگ شود؛ تا جایی که آرامش خاطر از تو سلب شود. سپس دلتنگ شوی. کنایه از این که آسایش و آرامش روحی از بین رفته باشد و در کشور جان، انقلابی بس عظیم بپا شده و موج این انقلاب تمامی این اعضا و جوارح را فرا گیرد (شرح صبحی صالح، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۱۸۴).

حقیقت توبه دو شرط مهم دارد که عبارتند از:

- ۱- اداکردن حقوق مردم تا این که خدا را ملاقات کنی، در حالی که هیچ حق الناسی بر عهده تو نباشد.
- ۲- هر فریضه‌ای که قضا شده است، باید آن فریضه ادا شود. این دو شرط از شرایط توبه است که فرد تائب باید به انجام آن مبادرت ورزد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۵۳).

اقسام توبه

توبه برحسب نوع گناه فرق می‌کند. هر گناه، توبه مخصوص به خود را می‌طلبد؛ برای نمونه، اگر کسی حق‌الناس را رعایت نکرده، نوع توبه‌اش با کسی که شرب خمر انجام داده است فرق می‌کند؛ اما اقسام گناهان از آن نظر که مورد تعلق توبه قرار می‌گیرند، از این قرارند:

۱- گناهانی که به صورت ترک طاعت واجب مانند نماز، روزه و حج از انسان ناشی می‌شود.

۲- معصیت‌هایی که صرفاً به صورت تخلف از نهی خداوند متعال تحقق می‌پذیرد و با حق‌الناس ارتباطی ندارد، از این دو قسم با عنوان حق‌الله تعبیر می‌شود.

اما راه توبه از گناهان دسته اول: در این قسم، علاوه بر پشیمانی و عزم بر عدم ارتکاب آن معصیت به قدر امکان، آنچه را انسان ترک کرده است، باید قضا کند؛ مانند نمازهای از دست رفته و روزه‌هایی که نگرفته است. اما اگر معصیت، تخلف از منهیات الهی باشد پشیمانی و عزم بر ترک و حزن و اندوه در ارتکاب آن، در قبول توبه کفایت می‌کند.

۳- اما نوع سومی از گناهان وجود دارد که با توبه و پشیمانی صرف، تکلیف از انسان ساقط نمی‌شود و آن معاصی و تعدیاتی است که علاوه بر تخلف از فرمان خدا، حقی از حقوق مردم را به تباهی می‌کشد؛ از قبیل:

قتل نفس، سرقت و نظایر آن؛ از این گناهان به حق‌الناس تعبیر می‌شود (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۷۳؛ کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷).

اقسام تائبین

تائبین با توجه به مدت بقای توبه و به عبارت دیگر، به خاطر وفای به توبه و عدم آن

بر چند نوع هستند:

دسته اول: آنان که از همه معاصی توبه کنند و به توبه خود تا آخر عمر ثابت بمانند و دیگر از آنان گناهی سر نزنند و به گناهان گذشته عود نکنند. چنین توبه‌ای، توبه نصح است و چنین شخصی صاحب نفس مطمئنه است؛ چراکه در خیرات پیشی گرفته است و تلاش می‌کند تا سیئات خویش را به حسنات تبدیل کند.

دسته دوم: از گناهان کبیره توبه می‌کنند، اصول طاعات و عبادات را به جا می‌آورند؛ اما خالی از همه گناهان نیستند. گاهی از روی لغزش و خطا، نه به قصد گناه و یا به عمد، گناه از آنان صادر می‌شود؛ آن وقت نفس خود را ملامت می‌کنند و تأسّف و ندامت بسیار می‌خورند؛ چنین اشخاصی، صاحب نفس لّوامه هستند و مشمول این آیه:

«الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ» (نجم/۳۲).

«آنان که از گناهان بزرگ و اعمال ناروا دوری می‌کنند؛ جز آن که گناه صغیره‌ای از آنان سر زند. به راستی مغفرت و بخشش پروردگارت بسیار است.»

به هر حال این دسته از تائبین، ندامتی عمیق و عزمی استوار دارند. از این رو توبه آنان پردوام و پابرجاست؛ هرچند به پای دسته اول نمی‌رسند.

دسته سوم: آنانی هستند که توبه می‌کنند و مدتی بر توبه خود ثابت و استوار می‌مانند، ولی پس از مدتی شیطان و نفس امّاره بر آنان غالب می‌شود و آن‌ها، از دفع آن عاجز شده، از روی عمد، مرتکب آن گناه می‌شوند؛ اما باز عنان نفس خویش را در دست می‌گیرند؛ ولیکن نفس هرروز آنان را فریب می‌دهد و گناهان را در نظر ایشان زیبا جلوه می‌دهد. چنین نفسی، نفس مسوّله نامیده می‌شود.

چنین افرادی مشمول این آیه هستند:

«وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

إِنْدَ اللّٰهِ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (توبه/۱۰۲). «و دیگران که به گناهان خویش اعتراف کردند و کار شایسته‌ای را با عملی ناشایست در هم آمیختند، امید است خداوند توبه آنان را بپذیرد؛ همانا خداوند آمرزنده‌ای مهربان است.»

دسته چهارم: آنانی هستند که توبه می‌کنند و مدتی بر آن ثابت می‌مانند؛ بعد از آن، توبه خود را می‌شکنند، به گناهان دست می‌بازند و در گرداب گناهان فرو می‌روند و توبه را فراموش می‌کنند. آنان، هیچ‌گاه از گناهی که مرتکب شده‌اند، پشیمان نیستند. چنین اشخاصی، صاحب نفس اماره هستند. شر آنان بر خیرشان غالب است. این دسته، از درجه توبه‌کنندگان ساقط هستند و در زمره تائبان نیستند (کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۸۰-۸۲؛ نراقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۹۲-۹۹۳).

وجوب توبه

انسان در هر حال و هر سن و سالی که باشد مقهور شهوات نفس است و در هر مرحله‌ای از مراحل عمر، رفتن به سوی خدا، نیازمند مبارزه بسیار دشوار با شیطان هوا و هوس و دل‌کندن از تمایلات افراطی نفس اماره است. این گونه نیست که مبارزه با هواهای نفسانی در آینده، آسان‌تر از زمان حال باشد؛ بلکه مسلماً دشوارتر است و رنج و تلاش بیشتری می‌طلبد. از طرف دیگر زمان مرگ انسان معلوم نیست. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

«إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ» (طه/۱۵).

«محققاً ساعت قیامت خواهد رسید. آن را پنهان می‌دارم تا هر کس به پاداش اعمالش

برسد.»

بی‌گمان، توبه از اموری است که هیچ اختلافی در وجوب آن نیست.

آیات متعددی از کتاب خداوند بر وجوب توبه دلالت دارد. در این جا چند نمونه از آیاتی

را که امر به توبه کرده است، بیان می‌کنیم. در ضمن باید بدانیم که امر، دلالت بر وجوب می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»
(تحریم/۸)

نخستین گام برای نجات، توبه است. این آیه، انسان را به راهی هدایت می‌کند که مایه نجات از آتش دوزخ است. با توجه به آیه قبل که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم/۷).

«ای کافران، امروز (قیامت)، توبه عذرخواهی نکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه در دنیا کرده‌اید به آن مجازات می‌شوید.»

این آیه به کفار اخطار می‌دهد - البته اگر دیگران هم توبه نکنند و بدون توبه از دنیا بروند مشمول این اخطار خواهند شد - که توبه در قیامت پذیرفته نیست؛ یعنی راه نجات و سعادت، که همانا توبه از معصیت‌ها و یا کفر بوده، بر شما بسته است. در آیه ۸ سوره تحریم، راه نجات و آنچه مایه سعادت است، بیان شده و این راه، بسیار شفاف و بدون هیچ اغماض و پیچیدگی بیان شده است؛ می‌فرماید: «توبوا»، از آن جایی که عنایت خاصی به بندگانش دارد، نوع توبه‌ای را که نجات حقیقی هم در آن است، بیان می‌دارد. بدین ترتیب، هم عنایت به بندگان را تمام کرده است و هم راه عذرخواهی را در فردای قیامت بر روی بندگان بسته است. خوشا به حال عقلا که زود می‌فهمند و به آنچه فهمیده‌اند، عمل می‌کنند.

دومین آیه این است: «وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/۳۱). خداوند تبارک و تعالی، در این آیه، علاوه بر این که همه مومنان را امر به توبه می‌کند، به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند که می‌تواند تعلیل این امر باشد. چرا توبه کنیم؟ چون خداوند، رستگاری ما انسان‌ها را در توبه قرار داده است. پس توبه، مایه فلاح و رستگاری انسان است.

رستگاری، تنها در خانه اوست. خانه‌اش، درهای متعددی دارد که یکی از آن‌ها توبه است. سومین آیه: «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (هود/۵۲). «ای قوم من، از پروردگارتان طلب آمرزش کنید. سپس به سوی او بازگردید تا باران آسمان را پی در پی بر شما بفرستد.»

چهارمین آیه: «وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (هود/۳). «و این که از پروردگارتان آمرزش خواهید، سپس به سوی او بازگردید تا شما را تا مدت معینی از مواهب زندگی این جهان، به خوبی بهره‌مند سازد»
پنجمین آیه: «وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود/۹۰). «از پروردگار خود آمرزش بطلبید و به سوی او بازگردید. همانا پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است.»

ششمین آیه: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيمٌ مُّجِيبٌ» (هود/۶۱). «(پروردگار) آبادی را به شما واگذاشت. از او آمرزش بطلبید؛ سپس به سوی او بازگردید و همانا پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک و اجابت‌کننده (خواسته‌های آن‌ها) است.»
در شش آیه‌ای که گذشت خداوند با صراحت امر به توبه کرده است. چنان که قبلاً گفته شد امر، بر وجوب دلالت می‌کند.

هفتمین آیه: «وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» (زمر/۵۴).

«وبه درگاه پروردگارتان بازگردید و سر تسلیم فرود آورید، پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید؛ سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید» (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۱۴)

مراتب توبه:

چنان که گفته شد، توبه امری است عام و همگانی و هرکس در هر موقعیت و مرتبه‌ای

از معنویت باشد، ناگزیر از آن است. زندگی آدم ابوالبشر، با توبه آغاز شد و اولین عبد تائب خداوند حضرت آدم، علیه السلام، بود و تنها راه نجات وی نیز توبه بود. در قرآن، هم از توبه گنهکاران و هم از توبه پیامبران سخن به میان آمده است. خداوند گاهی از توبه یونس و گاهی از توبه قومش سخن می گوید. در یک جا، تمامی مومنان را به توبه دعوت می کند:

«وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» (نور/۳۱). در جایی دیگر، به پیامبرش امر می کند تا از گناهانش استغفار جوید: «استغفر لذنوبکم». در ابتدا گفتیم که توبه امری همگانی است. ولی با توجه به موقعیت و رتبه معنوی هر فرد، دارای مراتب خاصی است؛ همچنان که گناهان با هم فرق می کنند. لذا، توبه کسی که در امواج مهلک گناه دست و پا می زند، با توبه و استغفار پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، و ائمه هدی، علیهم السلام، فرق می کند (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). علامه طباطبایی، رحمه الله علیه، در مورد مراتب توبه چنین می گوید:

توبه به معنای رجوع به خدا برای تقرب به اوست و بی گمان معنای قرب و بعد، نسبی و تشکیکی است. بنده ای که در مقامی قرار دارد گرچه در مقایسه با برخی از مقامات، دارای قرب است، اما نسبت به مقامات بالاتر دارای بعد است. از این رو، مقربان درگاه خدا و بندگان شایسته او همواره باید برای رهایی از بعد نسبی و صعود به مقام والاتر، بالاتر و مقربتر بکوشند و این مصداق توبه است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۵۴).

توبه پذیری خداوند

در قرآن کریم، توبه به معنای بازگشت، هم در مورد خدای تعالی و هم در مورد بندگان آمده است. به عبارت دیگر توبه لفظ مشترکی بین خدا و بندگان است. هنگامی که بندگان به آن متصف شوند بدین مفهوم است که بنده از معصیت به سوی اطاعت خداوند رجوع کرده است؛ زیرا هر گنهکاری، در حقیقت، با گناهی که انجام داده است، از خداوند گریزان

شده است و وقتی متصف به توبه می‌شود، یعنی این که از معاصی و هرآنچه باعث دوری او از حضرت حق شده دست کشیده و به سوی اطاعت و بندگی خدا برگشته است. در این آیات، توبه به عید نسبت داده شده و به معنی بازگشت به خداوند و پشیمانی از گناهان است.

۱- «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ» (مائده/۳۹).

۲- «مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ» (انعام/۵۴).

۳- «وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۱).

و هرگاه خدا متصف به توبه شود، مفهومش این است که خداوند با رحمتش به سوی بنده بازگشت کرده و توبه‌اش را از سر تفضل پذیرفته است. گویا پس از این که بنده به معاصی روی آورده، خداوند هم روی خویش را از او برگردانیده است؛ ولی پس از بازگشت، خداوند هم به او توجه می‌کند و بازگشت و توبه او را مورد پذیرش قرار می‌دهد و نعمت‌های خویش را به او بازمی‌گرداند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۳۴).

در این آیات، توبه به خدا نسبت داده شده است. لذا توجه به بنده و لطف و رحمت و

مغفرت... اراده شده است:

«ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (مائده/۷۱).

«لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ» (توبه/۱۱۷).

«وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ» (نساء/۲۷).

دلیل دیگری که نشان می‌دهد، توفیق توبه و الهام توبه از جانب خداوند است و بنده پس از آن به توبه مبادرت می‌ورزد، آیه ۳۷ سوره بقره است. آدم ابوالبشر، پس از آن که لباس بهشتی از قامتش برداشته شد و از جایگاه خویش هبوط کرد، نمی‌دانست چه کاری باید انجام دهد؛ یعنی نمی‌توانست توبه کند و راهش را نمی‌دانست. «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»؛ با عنایت خداوند کلماتی را فراگرفت؛ یعنی حضرت حق به او راه توبه و چگونگی آن را

آموزش داد. پس از این که آدم، کلماتی را فرا گرفت به سوی خدا برگشت و سیصدسال انابه و گریه و زاری کرد. پس از آن، خداوند توبه آدم را پذیرفت (قرشی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۹۹).

توبه در اوستا

توبه در اوستا «پی شیت» و در پهلوی و پازند «پتیت و پتت» آمده است؛ یعنی بازگشت از گناهکاری و کژرفتاری یا توبه کردن از کارهای ناروا و به همین هیأت در ادبیات زرتشتیان باقی مانده و به معنی توبه و انابه است (پوردادو، ۱۳۸۳: ۷۳).

اقسام توبه

در آیین زرتشتیان ۴ نوع توبه‌نامه به زبان پهلوی و پازند در دست داریم:

- ۱- پتت خود یا خود پتت: ۲ بند در اوستا مربوط به همین پتت خود یا خود پتت است؛ مثلاً در بندی در اوستا آمده است: «به نام یزدان، هرمزد خدای افزونی بزرگی و فرّ بیفزایدا! سروش پارسای دلیر سخت رزم‌افزار، آن رزم‌افزار سالار و آفریدگان، هرمزد به یاری برسد. از همه گناهان پشیمانم و پتت می‌کنم. (دوستخواه، ۱۳۷۱، سروش باژ، ج ۲، پازند ۱: ۵۸۳).
- این خود نوعی پشیمانی است که انسان خودش از خدا برای انجام آن یاری می‌خواهد.
- ۲- در پتت ایرانیک، که نوعی توبه‌نامه ایرانی است، آمده: من به دین پاک و نیک مزدایسنا پایدارم. به آن دینی پایدارم که خداوندگار هرمزد و امشاسپندان آن را به فروهر ستوده زرتشت سپنتمان آموختند و زرتشت آن را به گشتاسب شاه آموخت و گشتاسب شاه آن را به فرشوشتر و جاماسب و اسفندیار آموخت. ایشان آن را به نیکان گیتی آموختند و پشپ به پشت به آراینده دین راستین آذرپاد مهراسپندان رسید. کسی که آن را بیاراست و در سر آن رستگار ماند (پوردادو، ۱۳۸۳: ۴۰).

۳- پنت آذرپاد مهراسپندان، که معمولاً پنت پشیمانی خوانده می‌شود، که از خدا ابتدا به خاطر گناهان ابراز پشیمانی می‌کند و بعد پنت می‌کند که ۵ بند از اوستا مربوط به این نوع پنت است. نمونه‌ای را در این جا بیان می‌کنیم:

«به نام یزدان، هرمزد خدای افزونی، بزرگی و فرّ بیفزایادا! مهر فراخ چراگاه آن داور است به یاری برساد! از همه گناهان پشیمانم و پنت می‌کنم» (دوستخواه، ۱۳۷۱، مهر نیایش، ج ۲، پازند ۱-۹: ۵۹۷).

۴- پنت ودردگان، آموزش‌خواهی برای درگذشتگان، که پنت روانی هم نامیده می‌شود. در این گونه توبه‌نامه برای مردگان آموزش‌خواهی می‌کردند (پوردادو، ۱۳۸۳: ۷۳).

حقیقت توبه

حقیقت توبه در اوستا با توجه به بندهای آن این است که انسان از هرگونه اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد، که در جهان از انسان سرزده پشیمان شود و توبه کند که در اوستا آمده است:

«ای هرمز خدای! من از همه گناهان پشیمانم و پنت می‌کنم. من از هرگونه اندیشه بد، گفتار بد، کردار بد که در جهان اندیشیده و گفته و کرده یا از من سرزده یا در جرفای نهاد من بوده است پشیمانم. من از این سه اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد پشیمانم و پنت می‌کنم» (دوستخواه، ۱۳۷۱، نیرنگ کشتی بستن، پازند:

وجوب توبه

در اوستا به وجوب توبه اشاره چندانی نشده یا بندی نیامده است.

مراتب توبه

در اوستا دو بند در مورد مراتب توبه آمده است:

۱- اگر کسی یک کار خطایی انجام داد و پشیمان شد و دوباره کار خطا را تکرار کرد در آیین پتت ویژه بخشوده می‌شود.

«مردی که در اینجاست از همه اندیشه‌ها و گفتارها و کردارهای اهریمنی خویش پشیمان شده است. اگر کردار اهریمنی دیگری از او سرزده باشد در آیین پتت ویژه او بخشوده شده است. اما اگر هیچ کردار اهریمنی دیگری از او سرزده باشد بدین پشیمانی خویش جاودانه بخشوده و آمرزیده است (دوستخواه، ۱۳۷۱، فرگرد سوم، ج ۲، بند ۲۱: ۶۸۰).

۲- اما اگر شخص بعد از انجام گناه توبه کرد و دوباره هیچ گناهی دیگر انجام نداد خداوند او را می‌بخشاید.

«اگر کردار اهریمنی دیگری از او سرزده باشد در آیین پتت ویژه او بخشوده شده است. اما اگر هیچ کردار اهریمنی دیگری از او سرزده باشد، بدین پشیمانی خویش جاودانه بخشوده و آمرزیده است (دوستخواه، ۱۳۷۱، فرگرد پنجم، ج ۲، بند ۲۶: ۷۰۹).

توبه‌پذیری خداوند

در چند بند از اوستا توبه به عبد نسبت داده شده است و معنی بازگشت به خداوند و پشیمانی از گناهان است که در این مورد آمده است:

هنگامی که از «رَد» (موبدان موبد) یا «سروش - وَرز» خواستار برگزاری آیین شوند، خواه آن آیین «دَرَوَن» باشد که باید برگزار شود یا آن که نباید برگزار شود؛ خواه آن «دَرَوَن» باشد یا آن که نباید بخش شود، موبدان موبد می‌تواند یک سوم از پادافره گناهکار را ببخشاید. اگر کردار اهریمنی دیگری از او سرزده باشد، در آیین «پتت» ویژه او بخشوده شده

است؛ اما اگر هیچ کردار اهریمنی دیگری از او سر نزده باشد، بدین پشیمانی خویش، جاودانه بخشوده و آمرزیده است (دوستخواه، ۱۳۷۱، فرگرد پنجم، ج ۲، بند ۲۵ و ۲۶: ۷۰۸-۷۰۹).

نتیجه

در پایان به وجوه اشتراک و افتراق لغت توبه در قرآن و اوستا می‌پردازیم. از نظر اشتراک به این صورت است که:

هر دو در واژه پشیمانی و توبه و انابه مشترک هستند. از نظر تعریف لغوی، در هر دو به معنی بازگشت از گنهکاری و کج رفتاری یا توبه کردن از کارهای ناروا آمده است. در هر دو توبه واقعی این است که از دل برآید و بر اعضا و جوارح جاری شود. در اقسام توبه، فقط در ابراز پشیمانی مشترک هستند. در مراتب توبه، در هر دو بعضی از گناهان که مربوط به حق الله هستند بخشیده می‌شوند و بعضی گناهان که مربوط به حق الناس هستند بعد از انجام مراحل ویژه پذیرفته می‌شوند. همچنین هر دو در توبه‌پذیری خداوند نسبت به عبد مشترک هستند.

اما وجوه افتراق به این صورت است که:

واژه پتت در اوستا آمده ولی در قرآن وجود ندارد. در اقسام توبه با هم فرق دارند. در اوستا چهار نوع توبه‌نامه است ولی در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. فقط در یک نوع مشترک هستند. در قرآن در مورد اقسام تائبین صحبت شده ولی در اوستا چیزی در این مورد بیان نشده است. در قرآن در مورد وجوب توبه صحبت شده ولی در اوستا چیزی در این مورد بیان نشده است. در قرآن در مورد مراتب توبه مفصل صحبت شده ولی در اوستا فقط به آن اشاره شده است.

با توجه به تحقیقاتی که به عمل آمد، معلوم شد که اسلام تأکید بیشتری به موضوع توبه

کرده است و در حدود ۱۰۰ آیه به این موضوع مهم اختصاص پیدا کرده است؛ ولی در اوستا فقط به موضوع توبه اشاره شده و در حدود ۱۳ بند به آن پرداخته شده است.

کتابنامه

قرآن

نهج البلاغه

بهایی، محمد. (۱۴۱۵). الاربعون حدیثا، موسسه النشر الاسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۳). خرده اوستا جزوی از نامه مینوی، تهران: دنیای کودک.

حسنی، علیرضا. (۱۳۷۸). توبه در قرآن و سنت (تولد بدون گناه)، تهران: رایزن.

دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۱). اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان، تهران: مروارید.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.

قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۶۶). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

_____ . (۱۳۷۵). اموس اللغة، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کاشانی، محسن. (۱۴۰۳). المحجه البيضاء، محسن کاشانی، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). گفتارهای معنوی، تهران: صدرا.

میرآقاسی، فاطمه سادات. (۱۳۸۹). «برخی از آثار مسکرات از دیدگاه قرآن و سنت»، فصلنامه فدک.

جیرفت. س ۱، ۴، ۱۹۱-۲۱۰.

نراقی، احمد. (۱۳۷۱). معراج السعاده، قم: هجرت.

نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۳). جامع السعادات، تعلیق و تصحیح سیدمحمد کلانتر، نجف الاشرف.